

هستی‌شناسی صدق از منظر اسناد جوادی آملی

حسین حسن‌زاده*

چکیده

این مقاله سعی دارد به روشی تحلیلی، هستی‌شناسی صدق در منظومه فکری آیت الله جوادی آملی را ترسیم نماید. هستی‌شناسی مورد نظر در این مقاله، هستی‌شناسی به معنای خاص آن در حوزه علم کتابداری (دانش‌شناسی) است. به این معنا که مفهوم صدق و مفاهیم مترادف و هم ریشه آن و نیز نوع ارتباطات این مفهوم با سایر مفاهیم، از میان حدود شصت اثر از آثار این عالم وارسته، واکاوی شده و تبیین گردیده است. حاصل آنکه در دیدگاه علامه جوادی آملی مفهوم صدق، علاوه بر کاربرد معنایی خاص (صدق در اخبار) در معنای جامع (انشائیات، وجوب و امتناع تکوینی یعنی بود و نبود حقیقی و نمود) نیز به کار رفته است و در هندسه معرفتی وی، مفهوم صدق به صورت مجزا از سایر مفاهیم در نظر گرفته نشده و پیوستاری از ارتباط با مفاهیم متعددی نظیر حق، تکوین، ملائکه، روح انسانی، فطرت انسانی، دین حق، آزادی و حریت، عقل و انسان کامل است.

واژگان کلیدی

صدق، کذب، هستی‌شناسی، هستی‌شناسی صدق، صدق در اخبار، صدق در انشائیات.

مقدمه

برای جلوگیری از انحراف جامعه دینی به رذیله‌های اخلاقی نظیر کذب، به الگوهای معرفتی و اخلاقی نیاز است و بی‌شک عالمان وارسته شیعی در رأس این الگوها هستند. حضرت استاد جوادی آملی «حفظه الله» از عالمان وارسته‌ای است که همواره با تبیین عالمانه دین و رفتار اخلاقی خود، چراغ هدایت جامعه به سمت تعالی معنوی بوده و هست. اما شناخت اندیشه‌های ایشان نیازمند تدقیق است. توضیح اینکه اندیشه‌های انسان عمدتاً از طریق انتقال مفاهیم صورت می‌گیرد. این مفاهیم اگرچه در ظرف ذهن و اندیشه است، اما ارتباط یکپارچه‌ای با سایر مفاهیم دارد. زیرا اندیشه انسان، محصول ارتباطات سیستمی و یکپارچه میان مفاهیم در ظرف ذهن است. لیکن به دلیل اینکه انتقال مفاهیم در قالب اصطلاحات و کلید واژگان صورت می‌گیرد، کاستی‌هایی در این بخش وجود دارد که مانع فهم نظام‌مند اندیشه می‌گردد که عبارت است از:

یک. احتمال ناتوانی صاحب اندیشه در انتقال مفاهیم؛ زیرا این احتمال وجود دارد که صاحب اندیشه برای انتقال اندیشه خود نتواند واژگان و اصطلاحات را به‌نحو صحیح به استخدام خود درآورد (عدم عصمت در ابلاغ).

دو. ناتوانی مخاطب در فهم مراد صاحب اندیشه که در دو موضع است:

الف) ناتوانی در فهم مفردات؛ (عجز از درک صحیح اصطلاحات و کلید واژگانی که صاحب اندیشه آن را به استخدام خود درآورده است)

ب) ناتوانی در ایجاد ارتباطات صحیح میان خوشه‌های واژگانی.

متفکران و اندیشمندان برای رفع این نقایص کارهای سترگی را در طول تاریخ انجام داده‌اند که تدوین لغت‌نامه‌ها، دایرةالمعارف‌ها، دانش‌نامه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها و... را باید در همین راستا دانست. این شیوه‌ها در عصر حاضر که عصر تکنولوژی و انفجار اطلاعات است اگرچه لازم، ولی کافی نیست؛ به‌همین جهت صاحب‌نظران علم دانش‌شناسی برای جبران این کمبود به سراغ شیوه‌هایی مدرن رفته‌اند که سازمان‌دهی اطلاعات بر محور واژگان کنترل‌شده (اصطلاح‌نامه‌ها) و ایجاد آنولوژی (هستی‌شناسی‌ها) در بستر وب جهانی از نمونه بارز آنهاست. در این مقاله در حد توان سعی بر این است، هندسه صدق یعنی ارتباطات سیستمی آن با سایر مفاهیم در اندیشه استاد جوادی آملی «حفظه الله» ترسیم و در اختیار صاحب‌نظران قرار گیرد.

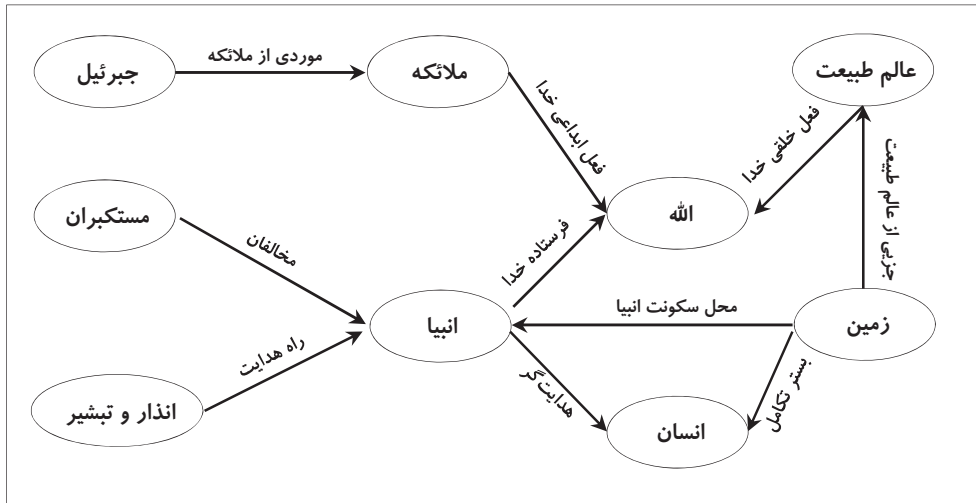
«هستی‌شناسی» در علم دانش‌شناسی

مقصود از هستی‌شناسی در این مقاله، معنای معهود آن در فلسفه نیست؛ هرچند بی‌ارتباط با آن هم نمی‌باشد. این معنای خاص از مفهوم هستی‌شناسی از اوایل دهه ۱۹۹۰ از فلسفه وارد هوش مصنوعی گشته و به یکی از مباحث پژوهشی مهم در علوم رایانه تبدیل گردیده است و در حوزه‌های مختلف هوش مصنوعی از قبیل مهندسی دانش، پردازش زبان طبیعی و بازنمون دانش (صفری، ۱۳۸۳: ۴ / ۷۹) مهندسی نرم‌افزار، پایگاه‌های داده و وب‌معنایی مورد مطالعه قرار گرفته است. تعریف‌های متعددی از این مفهوم ارائه شده است؛ مانند:

تعریف «گروبر» که هستی‌شناسی را تشخیص روشن، واضح و ذکر خصوصیات صریح از مفاهیم می‌داند؛ (شیخ شعاعی، ۱۳۸۴: ۶۴ / ۱۸۹؛ صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۶۴ / ۸۴؛ صفری، ۱۳۸۳: ۴ / ۸۰) یا تعریف «سورگل» که هستی‌شناسی‌ها را شکل گسترش یافته رده‌بندی‌ها با هدف کمک به کاربران در بازیابی متون بر روی وب می‌داند (صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۶۴ / ۸۴) یا تعریف «سوا» است که هستی‌شناسی را ذکر مشخصاتی از انواع مدخل‌هایی می‌داند که بالقوه یا بالفعل در حوزه موضوعی خاص موجودند و انواع روابط خاص که در یک ترتیب جزئی و ساده سازمان یافته‌اند. (همان: ۸۵)

آنچه از مجموع تعاریف پیش‌گفته می‌توان به‌دست آورد این است که هستی‌شناسی در دانش اطلاع‌رسانی عبارت است از «برقراری ارتباطات ناظر به واقع، میان مفاهیم در یک حوزه خاص.» به‌نظر می‌رسد تنها تفاوت اساسی میان اصطلاح‌نامه‌ها و هستی‌شناسی‌ها در همین قید اخیر (گویایی رابطه مفاهیم) باشد. وجود این ارتباطات هستی‌شناسانه (ناظر به واقع) میان مفاهیم در هر حوزه خاص موجب کشف هندسه و ساختار معنایی میان مفاهیم در آن حوزه می‌گردد. هستی‌شناسی به‌همین معنای

خاص، قابلیت پیاده شدن در هر مسئله‌ای از جمله برای کشف هندسه معرفتی اندیشمندان را دارد.



نمونه‌ای از گویایی روابط در هستی‌شناسی‌ها

الزامات ایجاد هستی‌شناسی صدق از منظر استاد جوادی آملی

۱. مجموعه‌ای از اصطلاحات و واژگان کلیدی در مسئله صدق

برای تحقق این رکن ابتدا باید اصطلاح صدق و راستی و کلیدواژه‌های مرتبط با آن از آثار استاد جوادی آملی گردآوری شده و در یک برنامه نرم‌افزاری که برای همین امر در نظر گرفته می‌شود با ذکر آدرس و منبع ذخیره گردد. بی‌شک کلیدواژگان فراوانی در آثار استاد جوادی آملی هست که ارتباط وجودشناختی با مسئله صدق و راستی دارند. شناسایی این اصطلاحات و واژگان نمایه‌ای و برقراری ارتباط میان آنها با صدق و راستی لازم و ضروری است.

۲. ارتباط وجودشناختی میان شبکه واژگانی

تحقق عینی و اثربخش آنولوژی صدق از منظر استاد جوادی آملی متوقف بر رعایت دقیق این رکن است و این مهم نیز بدون بهره‌مندی از نگاه فیلسوفانه به حقایق وجودی ممکن نیست. توضیح مطلب این است که اصطلاح یا واژه‌ای را که این حکیم متأله در آثار خود به استخدام گرفته است، به یک لحاظ یا منتزِع از فعل یک موجود است مانند: راست گفتن، ادای امانت، تملق و...؛ یا منتزِع از صفت یک موجود است مانند: علم، قدرت، محبت و...؛ یا منتزِع از ذات یک موجود است، مانند مؤمن، کافر، منافق و... .

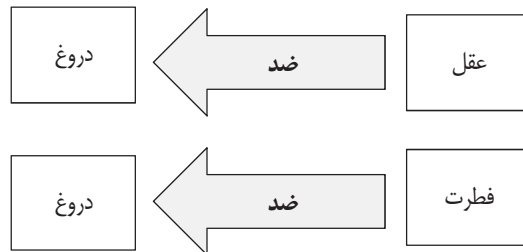
به جهت دیگر یا مفاهیم ماهوی‌اند مانند: مفهوم انسان، زمین، آسمان و... یا مفاهیم وجودی‌اند مانند: مفهوم خدا، هستی و... از حیث دیگر یا معقولات اولیه‌اند یعنی مفاهیمی که انسان آن را بدون دخل و تصرف ذهن از خارج می‌گیرد مانند: مفهوم زید، خورشید، ماه و... و یا معقولات ثانویه هستند یعنی مفاهیمی که انعکاس مستقیم حقایق خارجی در ذهن نبوده بلکه ذهن انسان به‌نوعی در آنها دخل و تصرف می‌کند مانند: مفهوم علت و معلول، سببیت و مسببیت و... .

ارائه نظامی جامع، متقن و اثربخش از صدق و راستی در آثار استاد جوادی متوقف بر توجیه عقلانی برای ارتباطات میان شبکه واژگانی صدق و مفاهیم مرتبط با آن در آثار این استاد فرزانه است، در غیراین صورت هرچیزی می‌تواند با هرچیزی مرتبط باشد و این قطعاً مناقض با اندیشه استاد است که هویتی نظام‌واره دارد. بنابراین اگر در این شبکه واژگانی میان صدق توبه با سودمندی توبه ارتباط برقرار بشود در صورتی این شبکه واژگانی می‌تواند منتج به کشف نظام صدق در اندیشه استاد بشود که هریک از ارتباطات مذکور، قابل توجیه عقلانی باشد. البته ممکن است روش توجیه هریک از رابطه‌ها با روش توجیه سایر روابط فرق بکند و این تفاوت در روش‌های توجیه، صدمه‌ای به نظام مذکور نخواهد زد؛ مثلاً ممکن است برای توجیه بعضی از روابط بین واژگانی از روش عقلی یا روش شهودی یا روش تجربی و یا روش نقلی اعم از نقلی تعبدی یا غیرتعبدی استفاده بشود؛

برای نمونه در آنتولوژی صدق از منظر استاد، صدق و امانت لازم و ملزوم یکدیگرند و کسی نمی‌تواند براین رابطه اشکال بگیرد برای اینکه روش توجیه این رابطه، نقلی تعبدی است که روشی پذیرفته‌شده در آثار استاد است.

۳. نوع ارتباط نیز هویدا گشته باشد

برای تحقق آنتولوژی صدق از منظر استاد جوادی آملی علاوه بر شبکه واژگانی و ایجاد ارتباط میان آنها، باید نوع هریک از روابط در سراسر خوشه‌های واژگانی آشکار گردد؛ مثلاً رابطه عقل و فطرت با کذب، رابطه ضدیت است که باید این رابطه در شبکه واژگانی به شکل زیر آشکار شود.



هستی‌شناسی صدق از منظر استاد جوادی آملی

شناخت هندسه معرفتی استاد جوادی درباره حقیقت صدق، منوط به شناخت گستره معنایی این مفهوم و ارتباطات وجودشناختی آن با مفاهیم دیگر است. بهترین شیوه برای دستیابی به این حقیقت، بررسی این مفهوم به صورت سلسله مراتبی است یعنی ابتدائاً خود مفهوم صدق و ارتباطات آن با مفاهیم دیگر کشف شود و سپس مصادیق صدق و ارتباطات این مصادیق با مفاهیم دیگر استخراج گردد.

سعه معنایی واژه صدق

واژه «صدق» که در مقابل «کذب» است، به معنای صلابت و قوت در چیزی می‌آید. سخن راست، دارای صلابت و قوت است، درحالی که دروغ، هیچ صلابت و قوتی ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۹۳) کاربرد اصطلاحی صدق از منظر استاد در برابر کذب است. صدق، وصف سخن و خبر و شرط محدث قرار می‌گیرد و درخصوص گزارش‌هاست، زیرا تنها اخبار و گزارش، قابل صدق یا کذب است؛ صادق، وصف مخبر است. صدق براساس این کاربرد شامل عقاید و اخلاق و گفتارهای انشایی، مانند وعده و عهد نمی‌شود، زیرا انشائیات نه صادق است و نه کاذب. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۷) اما این واژه کاربرد عام هم دارد، نظیر اطلاق واژه صدق در همه شئون بشری یعنی اعتقادات، اخلاق، عمل صالح. (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۳۵۳) صدق در احساس و... (همو، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۹۳) اطلاق صدق بر انشائیات نظیر عهد (همو، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۴) اطلاق صدق بر «قدم صدق»، «جایگاه صدق»، «مسکن صدق»، «معبود صدق»، «مشهد صدق» و «مزار صدق» و نظیر آن. (همو، ۱۳۸۳: ۴ / ۵۷۸)

در بعضی از آیات قرآن^۱ قرآنی وجود دارد که صدق در معنای جامع، نه فقط صدق در گفتار، به کار رفته است؛ قرینه نخست بر این عموم و شمول آن است که ذکری از خصوص حدیث و گفتار در آن آیات به میان نیامده است. دوم آنکه بعد از بیان مطالب اعتقادی و مسائل اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی و عملی، موصوفان به آنها را به وصف ابرار ستود. بنابراین ایمان، اخلاق و عمل همه باید صادق باشد؛ «صدق عهد و وعده» که در این آیه به شهیدان و رزمندگان در جبهه اسناد داده شده، ربطی به صدق حدیث ندارد، بلکه مصداقی از صدق در عمل و به معنای وفا کردن به عهد و وعده است. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۸)

۱. نظیر: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِذْ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ»، «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» و...

تقسیمات صدق

در آثار حضرت استاد تقسیمات متعددی برای صدق وجود دارد که باید لحاظها و سلسله مراتب آنها مورد توجه قرار گیرد، در غیراین صورت ایجاد آنتولوژی با ناهماهنگی مواجه می‌شود؛ این تقسیمات به شرح ذیل است:

۱. صدق در اخبار و انشائیات

این تقسیم به لحاظ معنای جامع صدق است. از منظر استاد جوادی اگرچه صدق مصطلح وصف سخن و شرط محدث و درخصوص گزارش‌ها است و اگر کسی چیزی را گزارش ندهد نه صادق است و نه کاذب. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۷) صدق در اخبار تابع ادعا (همو، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۴۷۳) و فرع بر اخبار مخبر (همو، ۱۳۸۲: ۹ / ۱۸۲) است و انشائیات هم نه صادق است و نه کاذب، (همو، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۲۲۳) به همین جهت وعد و وعید، صدق و کذب بردار نیستند (همو، ۱۳۸۸: ۱۶ / ۷۱۱) به دلیل اینکه تقابل صدق و کذب از سنخ عدم و ملکه است نه نقیضین؛ ازاین‌رو ارتفاع هر دو ممکن است (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۲۹) لیکن با توجه به معنای جامع صدق، این واژه در مورد انشائیات نیز کاربرد دارد و استعمال آن در بعضی از آیات قرآن نیز به همین جهت است. (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۱۲۷) مانند اطلاق صدق بر مقصد (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۵۵۸) بر اصل دنیا (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۳۱۲: همو، ۳۸۵: ۱۰ / ۳۷۷) اطلاق صدق بر فطرت انسانی (همو، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۲۱۹) اطلاق صدق بر رؤیا. (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۳۶۶) استاد معتقدند اعتدال مزاج، صادق بودن و سحرگاه یعنی رؤیای انسان معتدل راستگو، در سحر به صحت و صدق نزدیک است. (همو، ۱۳۸۶: ۳ / ۲۴۳) اطلاق صدق بر ورود و خروج؛ به باور استاد، ورود و خروج صادقانه در دنیا و برزخ است ولی بهشت فقط ورود صادقانه دارد نه خروج. (همو، ۱۳۸۸: ۱۸ / ۴۶۸)

۲. صدق ممدوح و مذموم

این تقسیم به لحاظ مدح و ذم مورد خبر است و غیبت از مصادیق صدق مذموم است. (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۲۸) مقسم این تقسیم منطقی صدق نبوده بلکه فقط صدق در اخبار مقابل صدق در انشائیات است.

۳. صدق خبری و مخبری

این تقسیم به لحاظ انصاف به موصوف است. صدق خبری، ناظر به انطباق محتوای قضیه با واقع است و صدق مخبری ناظر به علم مخبر به انطباق مضمون قضیه با واقع است و نفاق در تضاد با صدق مخبری است. (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۵۲۰) این تقسیم که از نظر ساختاری، اخص صدق در اخبار بوده دارای ویژگی‌های ذیل است:

الف) آنچه در نهان‌خانه دل او می‌گذرد، صدق باشد؛ ب) نیز از صادقانه بودن آن آگاه باشد؛ ج) مرگ وی مانند حیات او بر محور صدق باشد. (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۲۲)

جامع صدق خبری و مخبری به باور استاد جوادی عبارتند از: ۱. انسان کامل معصوم؛ (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۲۹) ۲. راسخان در علم؛ به دلیل اینکه صدق لسان را از ویژگی‌های آنها دانسته‌اند. (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۲۲۹) ۳. صدیقین که از مصادیق حتمی مخبران صادق هستند و آنها مؤمنانی‌اند که هم صدق خبری و هم صدق مخبری داشته و این صداقت در گوهر ذات او رسوخ کرده و ملکه شده است؛ یعنی کاملان در راستگویی بوده و حق شفاعت دارند. (همو، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۴۳۱: همو، ۱۳۸۱: ۵ / ۱۴۰)

۴. صدق در قول و فعل

استاد در یک تقسیم، صدق را به صدق در قول و صدق در فعل تقسیم نموده‌اند. (همو، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۴۴۲) اگر مقصود از صدق در فعل، انطباق فعل با قول و گفتار باشد طبعاً این تقسیم نیز در سلسله مراتب صدق در اخبار قرار می‌گیرد؛ اما اگر مقصود از فعل، انطباق مفهوم عام صدق بر بعضی از افعال نظیر وفای به عهد و امثال آن باشد قاعدتاً تعبیر دیگری از تقسیم صدق به اخبار و انشاء است.

۵. صدق در سخن، اعتقاد، خلق، عمل و احساس

از موارد تقسیم صدق در آثار استاد، تقسیم آن به صدق در سخن، صدق اعتقاد، صدق خلق، صدق عمل و صدق در احساس است. (همو، ۱۳۸۸: ۶ / ۲۲۳) که به نظر می‌رسد نوعی تقسیم مصداقی است؛ زیرا انسب این است که صدق در اعتقاد و خلق و عمل به لحاظ ابعاد وجودی انسان، در یک تقسیم قرار گیرد. از سوی دیگر چون ایشان بر صدق در اندیشه نیز تأکید داشته و منطق را ملاک و میزان صدق اندیشه می‌داند (همو، ۱۳۸۹: ۲۰ / ۴۱۹) و اعتقاد نیز از سنخ اندیشه است طبعاً صدق عقیده اخص صدق در اندیشه خواهد بود.

۶. صدق در گفتار، نیت و عمل

استاد در بعضی از آثار خود صدق را به صدق در گفتار، صدق در نیت و صدق در عمل تقسیم کرده و قدم صدق و مقعد صدق را از مصادیق صدق در عمل برشمرده‌اند. (همو، ۱۳۷۹: ۲۴۶) این تقسیم درحقیقت به لحاظ اتصاف گفتار، نیت و عمل به صدق بوده و نوعی تقسیمی مصداقی است و در سلسله مراتب صدق به معنای عام قرار می‌گیرد؛ زیرا بعضی از موارد آن مثل صدق در عمل شامل انشائیات هم می‌شود.

۷. صدق در نقل و منقول

این تقسیم به لحاظ اتصاف به نقل و منقول است. خبر قرآن کریم از تشنیه یا تفلیث، از مصادیق صدق در نقل است هرچند منقول کاذب و باطل است (همو، ۱۳۸۵: ۳ / ۵۲۳) طبعاً این تقسیم نیز از موارد صدق در اخبار است.

۸. صدق در بود نبود حقیقی و باید و نباید اعتباری

از جمله تقسیمات صدق در آثار استاد «حفظه الله» تقسیم آن به صدق در وجوب و امتناع تکوینی (بودن نبود حقیقی) و صدق در وجوب و حرمت اعتباری و تشریحی (بایدونباید اعتباری) است. صدق خداوند مربوط به قسم اول است یعنی از سنخ «بودن نبود حقیقی» است، ولی صدق و کذب مطرح درباره انسان از صنف «بایدونباید اعتباری» است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۳۳۹)

۹. صدق در عقل نظری و عملی

این تقسیم به لحاظ اتصاف به بعد نظری و عملی انسان است. صدق در عقل نظری (تصدیق به معنای جزم به ثبوت محمول برای موضوع) عبارت از علم نفس به صدق چیزی است و ارتباطی به تصمیم‌گیری و عزم او ندارد. صدق در عقل عملی (تصدیق به معنای قبول و ایمان) به معنای اراده نفس و عزم راسخ آن بر اقدام چیزی است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۵۱۵)

۱۰. صدق محض و مشوب

این تقسیم به لحاظ جهان است. صدق محض در جهانی است که حق محض بوده و بطلان در آن حوزه اصلاً راه ندارد از این رو کفر، نفاق، فسق، خُبث و مانند آن، در آنجا مطرح نخواهد شد و جهان کنونی روزی را به نام قیامت در پیش دارد که روز حق و صدق محض است. (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۳۳۱) صدق مشوب در جهانی است که حق و باطل و صدق مخلوط به کذب و طیب ممزوج به خبیث در آن وجود دارد. قسم اول، قلمرو الهیات صرف است که مظاهر اسمای حسنی الهی نیز در آن منطقه حضور دارند و قسم دوم حوزه طبیعت و نشئه دنیاست که منطقه آزمون است؛ اما منطقه‌ای نیست که در آن غیر از بطلان و کذب و خُبث یافت نشود. (همو، ۱۳۸۸: ۱۶ / ۴۳۸)

روابط وجود شناختی صدق

با توجه به مطالب پیش گفته ارتباطات وجود شناختی حقیقت صدق در چند محور بررسی می‌شود.

۱. صدق و تکوین

صدق از منظر استاد جوادی اگرچه از امور اعتباری است به این معنا که بیرون از اعتبار، مصداقی عینی ندارد لیکن از امور اعتباری محض نظیر صدر و ذیل مجلس نیست تا به دست معتبر سپرده شود، به همین جهت ریشه در تکوین ندارند. اعتباریات اخلاقی همچون صدق، نه تنها ریشه در تکوین دارند بلکه واقعیت‌ساز نیز هستند (همو، ۱۳۸۷: ش: ۲۸) مبنای این نظر استاد همان گونه که خود اشاره می‌کند، حکمت متعالیه است. (همو، ۱۳۸۷: ۲۸) به اعتقاد استاد، صدق در قول، یک معنی از معانی حق و از سنخ هستی و کمال هستی است و هرچه در قلمرو وجود و کمال وجود باشد از موجود سرمدی صادر (از نگاه فلسفی) یا ظاهر (از نگاه عرفانی) می‌شود. (همو، ۱۳۸۴: ۷ / ۴۴۸) صدق در باور استاد جوادی، مخلوقی از مخلوقات الهی است؛ زیرا صدق، به لحاظ واقع است و جهان واقع، مخلوق خداست چنان‌که قضایای ضروری نیز مخلوق خداوند است. (همو، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۴۴۲)

۲. مبدأ فاعلی صدق

استاد جوادی آملی در جایی مبدأ صدور صدق در قول را موجود سرمدی یعنی ذات حق تعالی دانسته‌اند. بدین دلیل که صدق در قول، یک معنی از معانی حق و از سنخ هستی و کمال هستی است و در نگاه فلسفی هرچه در قلمرو وجود و کمال وجود باشد، از موجود سرمدی صادر و در نگاه عرفانی از موجود سرمدی ظاهر می‌شود. (همو، ۱۳۸۴: ۷ / ۴۴۸) استاد با توجه به همین مبنا، معرفت صائب، صادق، حق و صحیح را با اراده و هدایت الهی و معرفتی دینی می‌دانند که از مصباح عقل بنده خدا تالو می‌کند، «گرچه از حلقوم عبدالله بود». (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۹۴) ایشان در جای دیگر ملائکه را به عنوان مبدأ فاعلی و مبدأ گزارش‌های صدق، چه در بخش جزم علمی و چه عزم عملی می‌دانند که برکات الهی توسط آن ذوات مقدس در محدوده جان کسی هبوط می‌کند. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۶۷۲) طبعاً این استناد از باب استناد طولی است نه عرضی؛ همچنان که شیطان، عامل نسیان و سبب سهو از حق و ذهول از صدق بوده (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۱۹۴) و مبدأ فاعلی گزارش‌های کذب است و درکات و نقمت‌های خدا توسط شیاطین در قلمرو جان کسی فرود می‌آید. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۶۷۲) البته اگر شیطان عامل فراموشی صدق است یاد خدا نیز سبب رجیم شیطان شده و انسان را به موطن صدق بازمی‌گرداند. (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۱۹۴)

۳. صدق و روح انسانی

صدق در اندیشه استاد جوادی جزء مسائل ارزشی و مربوط به روح انسان است که ذکورت و انوئت ندارد. (همو، ۱۳۸۸: ۱۸ / ۵۶۴؛ همو، ۱۳۷۸: ۷۸) به همین دلیل رعایت آن از اصول کلی و جاوید است و با مسائل علوم تجربی نظیر قوانین طب که مربوط به اقلیم خاص و یا مزاج خاص است متفاوت است. (همو، ۱۳۸۷: ۱۲۴) ارتباط صدق اخلاقی با روح انسانی به این معنا است که صدق، اعم از اینکه آن را جزء فضائل یا فعل ناشی از فضائل بدانیم، شأنی از شئون روح انسانی است. نکته مهم این است که این فضیلت یا فعل ناشی از آن بر روح انسانی تأثیر گذاشته و سبب طهارت نفس می‌گردد. (همو، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۱۷۹)

۴. صدق و فطرت انسانی

استاد معتقدند فطرت انسان، خداشناس و خداجو و خداپرست و حق‌گرا و اهل صدق و انصاف و پرتوی از نفحات رحمانی خدای سبحان است. (همو، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۲۱۹) گرایش قلب انسانی از لحاظ فطرت، راست‌گو و صداقت‌خواه است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۲۵۰) انسان تکویناً راست‌گو و راست‌کردار آفریده شده است؛ چنان‌که کودک همواره راست می‌گوید، مگر آنکه به طنز یا به جد، دروغ را به او بیاموزند. نسبت علمی انسان به نیک و بد، یکسان است؛ یعنی هم بدی را می‌فهمد، هم خوبی را؛ ولی گرایش او نسبت به زشت و زیبا یکسان نیست. گرایش آدمی فقط به سوی نیکی و حق است و فطرت سالم و دست‌نخورده انسان هرگز بدخواه نیست و به بدی گرایش ندارد. (همو، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

۵. صدق و دین

هر دین و مذهبی به دلیل اینکه حاوی یک سری اخبار و گزارش‌هایی است طبعاً صدق و کذب‌بردار است. استاد جوادی معتقدند صدق دین و مکتب از راه تجربه اثبات نمی‌شود و تنها راه اثبات آن عقل برهانی، نقل قطعی و نص است. (همو، ۱۳۸۳: ۱۸۸) قرآن با دو اصل کلیت و دوام یعنی همگانی و همیشگی که داشته و دارد، به‌عنوان «میزان عدل» مطرح است؛ یعنی تمام مکاتب اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی تا روز قیامت در هر عصر و مصر و نسلی باید بر مطالب آن عرضه شود تا حق و باطل، صدق و کذب، و صواب و خطای آن روشن گردد. (همو، ۱۳۸۶: ۳ / ۹۲) ایشان معتقدند قانون صدق همان دین حق و دین حق فقط اسلام است (همو، ۱۳۸۴: ۷ / ۲۴۰) به‌همین علت بین صدق مذهب با کثرت مذاهب فرق فارق است و کثرت مکاتب دینی دلیل حق بودن اندیشه پلورالیستی نیست. (همو، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۱۳) صدق و راستی، لباس دین، ستون ایمان (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۱۴) و ملاک تمایز ایمان راستین از ایمان ادعایی است. (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)

۶. صدق و آزادی و آزادی

آزادی و حریت از مهم‌ترین ویژگی انسان است؛ استاد جوادی عنوان صدق و کذب را بر این ویژگی مهم اطلاق کرده و معتقدند آزادی و حریت انسانی نیز صدق و کذب‌بردار است؛ حریت و آزادی صادق در تسلیم و اجتناب از گناه است چه این که گناه و فرار از دستورات الهی، آزادی کاذب و بردگی و حقارت صادق است؛ زیرا ممکن نیست که هم آزادی کاذب باشد و هم بردگی، و چون اسارت او راست و قیامت نیز طرف ظهور حق و صدق است، آزادی کاذب او رخت برمی‌بندد و بردگی صادق او ظهور می‌کند. چنین اسارتی در معاد از هر نحوه بردگی رسمی در دنیا حقارت‌بارتر است؛ چون کسی که رسماً به بردگی در آمده و مالکیتش در اختیار دیگران است، لاقلاً مالک اراده خویش است و هستی خود را عمداً به آتش نمی‌کشد؛ درحالی‌که انسان شهوت‌زده بی‌آنکه از آزادی خویش طرفی ببندد، خود را در امواج شهوت نابود می‌سازد و با انبوه خطاهای علمی و عملی همه روزنه‌های امید را بر خود می‌بندد. (همو، ۱۳۸۴: ۱۶۱) از همین منظر این استاد فرزانه هر نوع تولی، محبت، تبعیت و ارتباط با غیر خدا را کاذب دانسته و معتقدند محبت‌ها و دوستی‌های دروغین در قیامت به عداوت حق و صدق، تبعیت‌های کاذب نیز به تبری صادق (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۳۳۳) و ارتباط با ائمه کفر که ارتباطی کاذب است به انقطاع صادق تبدیل می‌شود (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۳۳۷) ایشان صدق را شرط تبعیت از ملت ابراهیم علیه السلام در صورت آمیخته بودن با سیاست می‌دانند. (همو، ۱۳۸۹: ۴۳۱) این مطلب در باره آزادی قلم و عقیده و بیان نیز مطرح است؛ چنین آزادی‌هایی اگر در جهت سوق دادن انسان به سمت کمالات انسانی باشد حق و صدق و اگر نشر آن در مسیر گمراهی برای ایجاد انحراف در نظام اسلامی باشد باطل و کذب است. (همو، ۱۳۸۹: ۴۷۸)

۷. صدق و عقل

عقل یکی دیگر از ویژگی‌های بارز انسان است؛ ارتباط آن با صدق این است که صدق ثمره عقل است و عاقل هرگز دروغ نمی‌گوید. (همو، ۱۳۸۳: ۲ / ۳۵) اما آسیب‌هایی نیز صداقت عقل را که رسول باطنی انسان است تهدید می‌کند و آن زمانی است که عقل گرفتار مغالطه گردد در این حال همانند متنبی، هیچ سهمی از رسالت الهی ندارد؛ بنابر این صدق عقل که رسول باطنی است مشروط به استفاده از برهان عقلی است وگرنه کاذب خواهد بود. (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۷۰) استاد معتقدند تصدیق و تکذیب باید تحت رهبری و امامت عقل ذاکر باشد. (همو، ۱۳۸۸: ۲۸۰)

۸. صدق و حق

استعمال واژه حق هم در معنی مصدری و هم وصفی است؛ از نظر مصدری به‌معنای ثبوت و ضد باطل و از لحاظ وصفی موجود ثابت، وجود ثابتی که انکار آن روا نباشد، نیز به‌معنای وجود مطلق و غیر مقیدی که به هیچ قیدی تقیید نشده باشد، یعنی ذات اقدس باری تعالی آمده است و در اصطلاح عام، حکم مطابق با واقع را گویند که بر اقوال و عقاید و مذاهب و ادیان اطلاق می‌شود. (همو، ۱۳۸۵: ۲۳) این واژه در اصطلاح خاص فلسفه به‌معنای قضیه‌ای است که مطابق با واقع و موافق با نفس الامر باشد (همان: ۲۴) و در اصطلاح فقه و اصول، برخی آن را به‌معنای مرتبه‌ای ضعیف از ملکیت، و برخی

نوعی از سلطنت دانسته‌اند. (همان: ۲۴) واژه حق در اصطلاح حقوق، عبارت از منفعت آمیخته با قدرت است و در تعریف آن گفته شده: حق قدرتی است متکی به قانون که صاحب آن می‌تواند با کمک گرفتن از قانون، آن را بستاند و یا از گرفتن دیگران مانع گردد. (همان: ۲۵)

ارتباط صدق و حق در آثار استاد جوادی بسیار برجسته است به طوری که ایشان ترجیح بند «حق و صدق» را در موارد متعدد و در ارتباط با بعضی از مفاهیم به کار برده است؛ مانند: «حیات پس از مرگ» (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۲۱۵) «دنیاوی پسندیده» و «اصل دنیا» (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۳۷۷) «تمثل و تمثیل» (همو، ۱۳۸۵: ۳ / ۴۸۸) «نقل قرآن» (همان: ۵۲۳) «سخن قرآن» (همان: ۵۲۶) «قبول شفاعت از جانب خدا» (همو، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۰۶) «خود قرآن» (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۴۸۴ و ۴۹۷) «مطابقت واقع با گزارش» (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۴۲۳) «تبیین رشد» (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۱۳۸) «ظهور در قیامت» (همو، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۰۳؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۸ / ۶۴۲؛ همو، ۱۳۸۴: ۱۶۱) «برهان» (همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۱۵۳) «روز قیامت» (همان: ۳۳۱) «عداوت در قیامت» (همان: ۳۳۳) «انقطاع و گسستن در قیامت» (همان: ۳۳۷) «تشخیص با عقل و منطق و برهان» (همان: ۵۶۵) «کتاب آسمانی» (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۶۸) «تصرف در قلمرو اسباب حق و ابزار صدق» (همان: ۴۹۷ و ۵۰۵) «میزان بودن دین» (همو، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۴۱۷) «بقاء» (همو، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۷۳۸) «امر به معروف» (همو، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۲۶۷) «حجت واقعی» (همو، ۱۳۸۳: ۲ / ۱۲۳) «نظام هستی» (همو، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۲۱) «شهود ناشی از تمثلات مَلکی یا رحمانی» (همو، ۱۳۸۴: ۹۶) «اطلاق نبی بر گیرنده وحی با ویژگی عصمت در حفظ و ابلاغ» (همان: ۲۷۲) «آزادی قلم، بیان و عقیده در جهت سوق دادن انسان به کمالات انسانی» (همو، ۱۳۸۷: ۴۷۸) «درجات شهود عارف» (همو، ۱۳۸۳: ۲۰۶) «هماهنگی مقام ولایی انسان کامل» (همو، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۲۱) «گزارش فطرت» (همو، ۱۳۸۴: ۱۹۰) و ...

دقت در مطالب پیش گفته بیانگر ارتباط ناگسستگی حق و صدق در اندیشه این استاد فرزانه اعم از اندیشه‌های اعتقادی، عرفانی، اخلاقی و فقهی ایشان است. علاوه بر این، ارتباط حق با صدق گفتاری نیز مورد توجه ایشان است مانند اینکه صدق، حق زبان (همو، ۱۳۸۵: ۳۰۳) و سبب شهادت به حق و فتوای به حق است. (همو، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۵۷۳).

۹. صدق و انسان کامل

انسان کامل و معصوم از منظر استاد، مصداق بارز و جامع اجتماع صدق مخبری و خبری است. (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۲۹؛ همو، ۱۳۸۷: ۴۲۰) اگرچه به دلایل خاصی تنها امام صادق علیه السلام متصف به اسم صادق است، لیکن اسم صادق از اسمای جمال الهی بوده و از لحاظ وصفی همه پیشوایان معصوم علیهم السلام موصوف به این اسم هستند؛ سر نام‌گذاری انسان کامل معصوم علیه السلام به صادق این است که اسم مبارک صادق از نام‌های جمالی خداست و انسان کامل مظهر اسمای حسنای الهی است. در نتیجه هویت او را صدق و حق تشکیل می‌دهد و وی واجد صدق خبری و مخبری است؛ یعنی عقیده او مطابق با واقع، خُلُق وی هم‌آوای حقیقت و قول و فعل او نیز هماهنگ با واقعیت است؛ به طوری که چیزی در جهان تکوین یافت نمی‌شود که انسان کامل معصوم با وی تعامل صادقانه نداشته باشد. (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۲۲) این استاد فرزانه دو دلیل بر این مطلب اقامه می‌کنند:

الف) گرچه در ظرف گزارش و تعامل انسان با اشیای خارجی، گزینه‌ای جز «صدق» و «کذب» وجود ندارد - و احتمال سومی جز این دو منتفی است - لیکن بسیاری از انسان‌ها با بسیاری از واقعیت‌های خارجی بی‌ارتباط هستند. از این رو ارتباط آنها با این حقایق، نه صادق است و نه کاذب.

ب) انسان کامل معصوم با همه اشیای نظام هستی ارتباط گزارشی دارد و چیزی از دایره این ارتباط خارج نیست. از این جهت باید ارتباط او با حقایق خارجی به یکی از دو صفت ممدوح صدق یا مذموم کذب متصف باشد - و احتمال سوم منتفی است - و چون اتصاف انسان کامل به صفت مذموم کذب عقلاً و نقلاً محال است، اتصاف وی به صدق مطلق علمی و عملی، خبری و مخبری ضروری است. بنابراین چیزی در جهان تکوین یافت نمی‌شود که تعامل انسان کامل با وی صادقانه نباشد. (همان: ۳۲۲) بنابراین مقام ولایی انسان کامل هماهنگ با حق و صدق آنهاست (همو، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۲۱) به همین جهت انسان کامل زمامداران حق و سنگنویان صدق‌اند. (همو، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۳۵) لذا استحاله صدق به کذب فقط در مورد معصوم مستحیل است. (همو، ۱۳۸۱: ۵۴)

۱۰. صدق و نعمت و صراط مستقیم

صدق از منظر استاد از مصادیق نعمت خاص الهی است به دلیل اینکه خداوند متعال آن را در ردیف نعمت نبوت، شهادت و صلاح قرار داده است، با این تفاوت که راه دسترسی به این نعمت برخلاف نعمت نبوت - که تا ابد برای سالکان طریقت بسته است - برای پویندگان صراط مستقیم گشوده است (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۵۴۱) بنابراین راه آنها از مصادیق عینی صراط مستقیم است (همان: ۵۴۰) این بدان معنا است که خودِ صدق، هم عین راه (همان: ۵۴۱) بوده و با صبغه الهی رنگ‌آمیزی شده (همو، ۱۳۸۴: ۷ / ۲۵۴) و هم نوعی مقام است (همو، ۱۳۷۸: ۱ / ۵۴۰) و طبعاً این مقام از مقامات معنوی است؛ به همین جهت مؤمنان مأمورند از خداوند راه اهل صدق را طلب نمایند؛ علتش این است که اهل صدق، صراط یعنی مسیر تکاملی خود را به خوبی می‌شناسند بنابراین رهروی آگاه بوده و رفاقتشان موجب آگاهی‌بخشی است. (همان: ۵۲۰)

۱۱. صدق و سایر مفاهیم ارزشی

صدق در آثار استاد جواد «حفظه الله» علاوه بر مفاهیم بیان شده با مفاهیمی دیگر اعم از ارزشی و سادارزشی ارتباط وجود شناختی دارد؛ مانند:

- ارتباط صدق با معروف از آن جهت که از مصادیق بارز معروف است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۲۶۷)
- ارتباط صدق با تمدن و مدنیت از آن جهت که مرز مدنیت جامعه دینی است؛ (همان: ۲۶۷)
- رابطه صدق با قرب الهی به لحاظ اینکه صدق موطن قربت و کذب عین غربت است؛ (همو، ۱۳۸۵: ۳ / ۳۸۸)
- رابطه صدق با مفهوم رشد به خاطر اینکه مصداق عینی رشد است؛ (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۱۳۸)
- ارتباط صدق با وفای به عهد و ادای امانت به این دلیل که توأم با وفای به عهد و میثاق بوده (همو، ۱۳۷۹: ۲ / ۲۶۰) و با ادای امانت همبسته است؛ (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)
- رابطه صدق با احسان به خاطر اینکه از مصادیق احسان نفسی یعنی کار خوب و نیک کردن است، نه احسان نسبی یعنی به دیگران نیکی کردن؛ (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۶۶۷)
- رابطه صدق با مفهوم گره‌گشایی؛ به جهت اینکه صدق، میزان و ترازوی حل معضلات (همو، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۰۳) و سبب گشوده شدن در رحمت خداوند به وسیله خلفای تام خداوند، بسترساز همنشینی با زمامداران رحمت و در لعنت خداوند و سبب بهره‌مندی از مقام کلیدداری لعنت خدا به وسیله جهاد بوده و عذاب و رسوایی را از سوی او بر جبهه کفر و نفاق نازل می‌گرداند و با همین کلید گشاینده، برکت‌ها و رحمت‌های ویژه‌ای را نیز نصیب جبهه اسلام می‌نماید. (همو، ۱۳۸۴: ۱۸۲)
- صدق، میزان بهره‌وری یعنی تأثیرگذاری حقیقی گفتار و نوشتار است؛ (همو، ۱۳۸۸: ۳۸۷)
- رابطه صدق با مفهوم بقا، غلبه و پیروزی به این علت که از مصادیق بقا در جنگ میان صدق و کذب بوده (همو، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۷۳۸) و پیروز حتمی در جنگ میان صدق و کذب است به دلیل اینکه تنظیم نظام کیهانی براساس علم و ربوبیت الهی بر غلبه حق بر باطل است (همو، ۱۳۷۹: ۶ / ۹۲) به همین جهت از اسباب پیروزی، غلبه و دولت‌یابی است. (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)
- ارتباط صدق با تکلیف الهی از آن جهت که از مصادیق تکلیف الهی است؛ (همو، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۷۳۸)
- رابطه صدق با نفس مسوله به این علت که دائماً مورد تهدید نفس مسوله است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۳۱۳)
- صدق از میان متقابلان چهارگانه از مصادیق ملکه، در مقابل عدم ملکه است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۴۷۳)
- ارتباط صدق با مقصد ملکوتی انسان به جهت اینکه از مصادیق مقصد ملکوتی است؛ (همو، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۵۹۰)
- رابطه صدق با مجرد از این جهت که از معانی عقلی و مجرد است؛ (همو، ۱۳۸۸: ۱۷ / ۱۳۹)
- ارتباط صدق با مفهوم حُسن به دلیل اینکه از مصادیق حُسن اقتضائی است نه ذاتی؛ (همو، ۱۳۸۸: ۱۸ / ۸۹) همو، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۴۳۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۲۰)
- ارتباط صدق با منزلت در نزد خدا به جهت اینکه از اسباب منزلت نزد خدا است؛ (همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۰۲)
- رابطه صدق با مفهوم نجات و رستگاری به جهت اینکه مایه عزت و نجات انسان است (همو، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۱۴) و با پیشرفت و رستگاری در اسلام پیوندی عمیق دارد (همو، ۱۳۸۷: ۳۰۳) و از اسباب ورود به بهشت است؛ (همو، ۱۳۸۱: ۵ / ۲۵۵)

- رابطه صدق با عدل از جهت برتری عدل بر صدق است؛ به اعتقاد استاد جوادی، صدق و راست‌گویی خوب است؛ لیکن نه همچون خوب بودن عدل که هرگز نتوان خوبی را از آن برداشت، زیرا عدل به‌نحو کلیت و دوام خوب است؛ ولی صدق این‌چنین نیست، چون در برخی موارد راست گفتن ضرر و مفسده دارد و در آنجا صدق خوب نیست؛ (همو، ۱۳۸۵: ۹ / ۹۸) - صدق اخلاقی اختصاص به امور اخروی انسان ندارد بلکه با امور دنیوی نیز مرتبط است (همو، ۱۳۸۷: ۱۰۵) عامل ظهور درستی ادعاها بعد از جنگ (همو، ۱۳۸۸: ۲۷۹) و ضد تملق است. (همو، ۱۳۸۳: ۵ / ۸۸)

۱۲. آثار صدق

برخی از مفاهیم‌اند که درحقیقت از آثار صدق هستند یعنی رابطه آنها با صدق، رابطه اثر و مؤثری است؛ این آثار به‌نحو اجمال عبارت است از عدم شک (یقین) در ایمان خود و جهاد با مال و جان در راه خدا؛ و به‌صورت تفصیل عبارتند از:
الف) آثار اعتقادی صدق، مانند: ایمان به خدا، ایمان به روز واپسین، ایمان به فرشتگان، ایمان به کتاب آسمانی، ایمان به پیامبران الهی؛ (همو، ۱۳۸۱: ۵ / ۲۵۵)
ب) آثار رفتاری صدق (عبادت مالی و بدنی) مانند: دادن مال به خویشاوندان، در حال علاقه به آن، دادن مال به یتیمان، دادن مال به بینوایان، دادن مال به در راه ماندگان، دادن مال به گدایان آبرومند، دادن مال برای آزاد کردن بندگان، برپاداری نماز، رساندن زکات به مستحقان؛ (همان: ۲۵۵)
ج) آثار اخلاقی صدق، مانند: وفا به عهد و پیمان، شکیبایی در سختی و در زیانمندی و حین دشواری. (همان: ۲۵۵)

نتیجه

مفهوم صدق علاوه بر کاربرد معنایی خاص (صدق در اخبار) در معنای جامع مانند: انشائات، وجوب و امتناع تکوینی (بود و نبود حقیقی) و بود و نمود به‌کار رفته است. هرکدام این مصادیق با مفاهیم گوناگونی مرتبط است. با توجه به محدودیت مقاله سعی شده است هستی‌شناسی صدق یعنی نوع ارتباط این مفهوم با سایر مفاهیم در آثار استاد جوادی نمایش داده شود و نتیجه‌گیری شده است که صدق در هندسه معرفتی این استاد فرزانه با مفاهیمی نظیر مفهوم حق، تکوین، ملائکه، روح انسانی، فطرت انسانی، دین حق، آزادی و حریت، عقل، انسان کامل، نعمت الهی، صراط مستقیم، رهروان آگاه، معروف، تمدن و مدنیت، قرب الهی، رشد، وفای به عهد، ادای امانت، احسان، مفهوم گره‌گشایی، رحمت الهی، مفهوم بهره‌وری، مفهوم پیشرفت، مفهوم بقا، غلبه و پیروزی، تکلیف الهی، مفهوم تجرد، منزلت نزد خدا، مفهوم نجات و رستگاری، مفهوم عدالت و... ارتباط ناگسستنی داشته و بیانگر هندسه اندیشه این استاد فرزانه در باره حقیقت صدق است.

منابع و مأخذ

۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، تسنیم، ج ۱، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، زن در آئینه جلال و جمال، محقق محمود لطیفی، قم، اسراء.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، تسنیم، ج ۲، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، سیره پیامبران در قرآن، ج ۶، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، مراحل اخلاق در قرآن، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، حیات عارفانه امام علی (ع)، محقق علی اسلامی، قم، اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، صورت و سیرت انسان در قرآن، محقق غلامعلی امین دین، قم، اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، معاد در قرآن، ج ۵، محقق علی زمانی قمشه ای، قم، اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۸، محقق حسین شفیعی، قم، اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۹، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، ادب فنای مهربان، ج ۲، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، تسنیم، ج ۴ و ۵، محقق احمد مقدسی، قم، اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، توحید در قرآن، محقق حید علی ایوبی، قم، اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، دین‌شناسی، محقق محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، تسنیم، ج ۷، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، تفسیر انسان به انسان، محقق محمد حسین الهی زاده، قم، اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، حکمت علوی، محقق سعید بند علی، قم، اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، حیات حقیقی انسان در قرآن، محقق غلامعلی امین دین، قم، اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، سرچشمه اندیشه، ج ۱، محقق عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، فطرت در قرآن، محقق محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، ادب فنای مهربان، ج ۱، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، تسنیم، ج ۳، محقق احمد مقدسی، قم، اسراء.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، تسنیم، ج ۶، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، تسنیم، ج ۸ و ۹، محقق حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، حق و تکلیف، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، حیات حقیقی انسان در قرآن، محقق غلامعلی امین دین، قم، اسراء.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، سرچشمه اندیشه، ج ۲، محقق عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء.
۲۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، سروش هدایت، ج ۲، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
۲۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، حق و تکلیف، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۳۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، تسنیم، ج ۱۲، محقق محمد حسین الهی زاده، قم، اسراء.
۳۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، ریح مختوم، محقق حمید پارسانیا، قم، اسراء.
۳۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، سرچشمه اندیشه، ج ۴، محقق عباس رحیمیان، قم، اسراء.
۳۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، سروش هدایت، ج ۳، محقق حسین اشرفی، قم، اسراء.
۳۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، شریعت در آئینه معرفت، محقق حمید پارسانیا، قم، اسراء.
۳۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، فلسفه الهی از منظر امام رضا علیه السلام، قم، اسراء.
۳۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، ادب فنای مهربان، ج ۵، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
۳۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، انتظار بشر از دین، محقق محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
۳۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، تحریر تمهید القواعد، محقق حمید پارسانیا، قم، اسراء.
۳۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، تسنیم، ج ۱۱، ۱۳، ۱۴ و ۱۵، محقق سعید بند علی، قم، اسراء.
۴۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
۴۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، سروش هدایت، ج ۱، محقق عباس رحیمیان، قم، اسراء.
۴۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، سروش هدایت، ج ۴، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
۴۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، مبادی اخلاق در قرآن، محقق حسین شفیعی، قم، اسراء.
۴۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، ادب فنای مهربان، ج ۳، ۴ و ۶، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
۴۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، بنیان مرصوص امام خمینی، محقق محمد امین شاهجویی، قم، اسراء.
۴۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، ج ۱۶، ۱۷ و ۱۸، محقق عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء.
۴۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، حکمت عبادت، محقق حسین شفیعی، قم، اسراء.

۴۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، حماسه و عرفان، محقق محمد صفایی، قم، اسراء.
۴۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، محقق سعید بند علی، قم، اسراء.
۵۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، شمیم ولایت، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
۵۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، نسیم اندیشه، دفتر اول، محقق سید محمود صادقی، قم، اسراء.
۵۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، وحی و نبوت، محقق مرتضی واعظ جوادی، قم، اسراء.
۵۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، تسنیم، ج ۱۹، ۲۰، محقق سعید بند علی و عباس رحیمی، قم، اسراء.
۵۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، جامعه در قرآن، محقق مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
۵۵. شیخ شعاعی، فاطمه، ۱۳۸۴، «هستی‌شناسی‌ها و وب معنایی»، مجله فصلنامه کتاب.
۵۶. صدرالمآلهین، محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳۶۸، الاسفار الاربعه، نشر مکتبه المصطفوی.
۵۷. صفری، مهدی، ۱۳۸۳، «مدل‌سازی مفهومی در بازنمون رسمی دانش شناختی در هوش مصنوعی و نظام‌های اطلاعاتی»، مجله اطلاع‌شناسی، ش ۴.
۵۸. صنعت‌جو، اعظم، ۱۳۸۴، «ضرورت بازنگری در ساختار اصطلاح‌نامه‌ها»، مجله فصلنامه کتاب، ش ۶۴.
۵۹. صنعت‌جو، اعظم، ۱۳۹۰، «مقایسه کارآمدی اصطلاح‌نامه و هستی‌شناسی در بازنمون‌دان» مجله پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ش ۱.
۶۰. نراقی، مهدی بن ابی‌ذر، بی‌تا، جامع السعادات، بی‌جا، بی‌تا.

